

همزیستی با کمیابی آب*

دانیل برنت

کالا دسته‌بندی می‌شود، و زتلند توضیح می‌دهد که چرا اصول بازار آزاد، بهترین راه برای مدیریت آب در این وضعیت است. پذیرفتن ورود بازارها مستلزم بازنگری در بسیاری از نهادها است، چرا که این نهادها زمانی تأسیس شدند که هدف اصلی، استفاده هر چه بیشتر از آب برای مقاصد تجاری و جلوگیری از «هدررفتن آب» در جریان یافتن به اقیانوس بود. سپس زتلند توضیح می‌دهد که چگونه مقررات خیرخواهانه آب شهری که معمولاً به آب لوله‌کشی یارانه می‌دهد، مشکلات بیشتری را پدید می‌آورد. در این راستا، این پرسش را پیش می‌کشد: چه کسی در قبال توسعه شهری که مستلزم تأمین پرهزینه تأمین آب است، هزینه می‌پردازد؟ در یک نظام «منصفانه» که همه استفاده‌کنندگان، نرخ یکسانی را برای آب می‌پردازند، استفاده‌کنندگان فعلی به توسعه شهری یارانه می‌دهند. بنابراین، توسعه‌دهندگان املاک و مصرف‌کنندگان در حومه جدید شهرها ممکن است با هزینه نهایی واقعی آب روبرو نشوند.

زتلند نمونه‌های مشابهی را درباره استفاده انتفاعی آب به دست می‌دهد. نفع بردن از آب، مشکل‌ساز نیست، مشروط بر اینکه صنعت، هزینه کامل آب از جمله اثرات محیط‌زیستی استخراج آب از اکوسیستم‌ها و آبخوان‌ها را پردازد. از آنجایی که بخش کشاورزی در بیشتر کشورها بزرگترین استفاده‌کننده آب به شمار می‌آید، زتلند یک فصل کامل را به آب کشاورزی اختصاص داده است. سخن او بر این است که بخش کشاورزی به سان گذشته، مستحق برخورداری از امتیاز ویژه آب ارزان نیست، امتیازی که میراث پروژه‌های زیربنایی یارانه‌ای و تخصیص بیش از اندازه حبابه‌ها بوده است.

زتلند توضیح می‌دهد که بازارهای آب کشاورزی چگونه می‌توانند با جابجایی آب به استفاده‌هایی که بالاترین ارزش را تولید می‌کنند، به مقابله با کمیابی کمک کنند، و رونق این دست بازارها را در مناطقی مانند حوضه موری-دارلینگ استرالیا یادآور می‌شود. بازار در بحث استفاده خصوصی آب، نکته‌ای کلیدی به شمار می‌آید: بازارها می‌توانند در شرایط کمیابی، آب را به شکل کارآمد میان استفاده‌کنندگان نهایی توزیع کنند، مشروط بر اینکه نرخ آن، منعکس‌کننده هزینه واقعی آب

رشد جمعیت، افزایش درآمد و الگوهای جدید مصرف، کمیابی آب را به مسئله‌ای نگران‌کننده برای جوامع تبدیل می‌کند، جوامعی که پیش از این می‌توانستند به منابع طبیعی فراوان آب یا فراهم‌آمده با تدابیر مهندسی متکی باشند. «همزیستی با کمیابی آب»^۱ نوشته دیوید زتلند^۲ به زبانی ساده و به اختصار، درس‌هایی را از علم اقتصاد برای بخش‌های گوناگونی که باید به کمیابی آب پردازند شرح می‌دهد.

در کشورهای توسعه‌یافته، تقریباً همه استفاده‌های اصلی آب، در چارچوب مقررات دستگاه‌های دولتی قرار دارند، و این سیاست‌ها و مقررات هستند که رفتار و نتایج را شکل می‌دهند. زتلند نابخردی را در بسیاری از سیاست‌های رایج بازمی‌شناسد؛ این سیاست‌ها در دورانی طراحی شده‌اند که آب، فراوان پنداشته می‌شد. تقاضا، حتی در مناطق خشک، تا اندازه زیادی می‌توانست با راه‌حل‌های مهندسی مانند سدها و کانال‌ها برآورده شود. با این همه، این رویکردها در رویارویی با کمیابی، شکست می‌خورند، و راه‌حل‌های کلی تجویز می‌شود که نیازمند تغییرات نهادی بنیادین است. زتلند اذعان می‌کند که تغییر نهادی دشوار است، و به منظور شکل‌گیری پارادایم جدید آب، جامعه باید دریابد که ما در دوران کمیابی زندگی می‌کنیم. این تغییر، به ویژه با وجود ذینفعانی که از منافع آبی که غیر واقعی ارزان است، بهره می‌برند و می‌خواهند وضع موجود را حفظ کنند، دشوار است. سخن اصلی زتلند این است که ذهنیت فراوانی منابع، منسوخ شده است و برای پیشرفت در مدیریت منابع کمیاب آب باید کنار گذاشته شود.

این کتاب به دو بخش تقسیم شده است. بخش اول بر آب منع‌پذیر (کالاهای خصوصی و کالاهای باشگاهی) تمرکز دارد و در بخش دوم به تشریح شکل‌های منع‌ناپذیر آب (کالاهای عمومی و منابع مشترک) پرداخته شده است. بخش نخست، از آبی سخن می‌گوید که به بهترین وجه به عنوان یک

^۱ نوشتار حاضر ترجمه عنوان زیر است:

Living with Water Scarcity^{*} Book Review. Daniel A. Brent. Water Economics and Policy^{*} Vol. 1۰ No. 2 (2015).

^{*} مترجم: جهانگیر هوشمند، ویرایش: حمید پشتمان

1. Living with Water Scarcity
2. David Zetland

باشد. به نظر می‌رسد پارادوکسی وجود دارد: تنظیم‌گران، دغدغه کمپایی آب را دارند، اما غالباً شرکت‌های تأمین‌کننده خدمات را از دریافت بهای آب منع می‌کنند. قیوداتی از این دست، تنها به قیمت‌ها اجازه می‌دهد که هزینه‌های مالی را منعکس کنند، و همان‌گونه که زتلند می‌گوید، «ضابطه‌گذاری در طرفداری از مصرف‌کننده، مصرف‌کنندگان را خواهنده‌تر می‌کند، مگر آنکه به روز شود تا برهم‌کنش عرضه و تقاضا را منعکس سازد.»

بخش دوم کتاب با نگرش سیاسی درباره عملکرد و کنترل انحصار طبیعی آغاز می‌شود. مدیران برای بهبود نتایج، زمانی که شرکت‌های آب از انحصار طبیعی برخوردارند، باید ریسک‌پذیر باشند. رقابت از جانب تأمین‌کنندگان خصوصی و الگویابی استانداردهای عملکرد، دو روشی هستند که می‌تواند مدیران را پاسخگو نگاه دارند. مشکلات دیگری نیز ناشی از اقتصاد سیاسی در فراهم‌سازی زیرساخت‌های آب وجود دارد، عرصه‌ای که فساد و وابستگی به شرایط پیشین، مشکلات پرهزینه‌ای را سبب می‌شود.

هزینه‌کرد ملی در زیرساخت‌های آب، به طور کلی به نفع گروهی منتخب، اغلب کشاورزان است، در حالی که عموم مردم هزینه‌ها را متحمل می‌شوند. این امر با سیطره ابرپروژه‌های مهندسی پرهزینه (زیرساخت خاکستری) تشدید می‌شود که بر خلاف راه‌حل‌های طبیعی (زیرساخت سبز) مانند نگهداری تالاب‌ها برای حفاظت در برابر سیل که انعطاف‌پذیری بیشتری را فراهم می‌آورد، به سختی دگرگون می‌شود.

گذار از زیرساخت‌های خاکستری به سبز و پایان دادن به یارانه پروژه‌های آب در سطح ملی، دو نمونه دیگر ضرورت تغییر نهادهای و ایدئولوژی ریشه‌دار سیاست کنونی آب است. افزون بر این، راه‌حل‌های مهندسی غالباً آب را از مسیر طبیعی خود منحرف می‌کند، و در نتیجه، تعارضات آبی را پدید می‌آورد. قوانین منسوخ‌شده، انحراف قانونی آب را میسر می‌سازد، ولی تضادآفرین است؛ نمونه آن، خشم شدید روستائیان کالیفرنیا و کشمکش قانونی بر سر تخلیه دریاچه اُونز^۱ در لس‌آنجلس است. این موضوع توجه رسانه‌ها را به موضوع جنگ‌های آبی آینده جلب کرده است. با این همه، زتلند معتقد است که بیشتر «تعارضات آبی» ارزش اقتصادی نسبتاً پائینی دارند، و تعارضات بین‌المللی آب را به بهترین وجه، مراجع محلی یا منطقه‌ای به جای دولت‌های ملی، بهتر رسیدگی می‌کنند.

از منظر اجتماعی، بحث‌های زیادی درباره حق بشر به آب وجود داشته است، همان‌گونه که در اهداف توسعه پایدار جدید سازمان ملل متحد و پیشگام آنها، اهداف توسعه هزاره مشهود است. زتلند این بحث را کم‌مایه می‌بیند. آب سالم و مطمئن برای افراد ثروتمند و جوامعی که دولت‌های درستکار دارند، در دسترس خواهد بود، در حالی که فقرایی که با دولت‌های فاسد زندگی می‌کنند، دسترسی کافی به آب نخواهند داشت. تقویت

حقوق دارایی، ساز و کار برگزیده زتلند برای تأمین آب اقشار فقیر ساکن در کشورهایی است که دولت‌های فاسد دارند.

ثبت نام آب^۲، که برابر آن همه شهروندان نسبت به منابع آب کشور، حق دارند و از آب فروخته‌شده به عنوان یک کالا، سهمی از درآمد را کسب می‌کنند، راهی برای پی‌ریزی حقوق دارایی برای آب و درآمدزایی است که خانوارهای فقیر می‌توانند از آن برای پرداخت هزینه خدمات آب استفاده کنند. زتلند چندین بار به اهمیت احتساب جریان‌های محیط‌زیستی پیش از تخصیص آب برای مقاصد انتفاعی اشاره می‌کند. در فصل پایانی، زتلند اذعان می‌کند که تفاوت‌ها در ترجیحات محیط‌زیستی، سواری رایگان، و منافع اختصاصی، چالش‌هایی را برای تعیین میزان آبی که باید در رودخانه باقی گذاشته شود به وجود می‌آورد. با این همه، با افزایش کمپایی آب، همه ما باید به مقدار کمتری بسنده کنیم.

این کتاب مطالب زیادی را در بیش از ۱۰۰ صفحه پوشش می‌دهد. با توجه به مختصرگویی نویسنده، برخی بخش‌های کتاب برای خواننده پرسش‌برانگیز می‌شود. وقتی کشش کوتاه‌مدت، مقداری کوچک است، نرخ‌گذاری کمپایی چگونه می‌تواند کارگر افتد، و پویایی افزایش موقت نرخ چیست؟ ثبت نام آب چگونه می‌تواند به فقرا در کشورهای فسادزده و نهادهای ضعیف کمک کند؟ چه شواهد تجربی سبب می‌شود که زیرساخت سبز را به زیرساخت خاکستری ترجیح دهیم؟ این کتاب قرار نیست به همه این پرسش‌ها پاسخ دهد، بلکه ابزارهای پایه اقتصاد را به صورت کلی درباره مسائل آب به کار می‌گیرد.

سادگی کتاب زتلند برای دست‌اندرکاران صنعت آب که پیشینه اقتصادی ندارند مناسب است، اگر چه برای اقتصاددانان باتجربه نیز قابل تأمل است.